

نازنین

نویسنده: علی اصغر حیاتی

www.ketab.ir



انتشارات کتابداران



انتشارات کتابداران

سریعترین مرکز صفر تا صد کتاب (گروه آسان چاپ کتابداران)

● نازنین ●

● نویسنده: علی اصغر حیاتی ●

● ناشر: کتابداران - مشهد (میرزایی ۰۹۱۵۹۱۵۴۰۶۸) ●

● صفحه‌آرایی: یگانه رحمت نژاد ●

● طراح جلد، مشاور فنی و امور چاپ: گروه آسان چاپ کتابداران ●

● شمارگان: ۱۰۰۰ جلد نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰ ●

● شابک: 978-622-7691-84-9 قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان ●

حق چاپ و نشر برای نویسنده و نشر کتابداران محفوظ می‌باشد.



سرشناسه : حیاتی، علی اصغر، ۱۳۲۶-

عنوان و نام پدیدآور : نازنین / نویسنده علی اصغر حیاتی.

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات کتابداران، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری : ۴۱۳ ص؛ ۱۵/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک : 978-622-7691-84-9

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

Persian fiction -- 20th century

رده بندی کنگره : PIR ۸۳۴۱

رده بندی دیویی : ۳ / ۶۲ فا ۸

شماره کتابشناسی ملی : ۸۷۳۹۹۳۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

مقدمه

این کتاب را تقدیم می کنم به:

پدر و مادرهای نازنینی که به علت خاص در خانه سالمندان
زندگی می کنند، تا روزهای آخر زندگی شان فرا رسد و دنیا را
با همه سختی هایش ترک کنند...

نمی دانم تابحال سری به خانه سالمندان زده اید تا چشم های نگران و
منتظر را از نزدیک مشاهده کنید، یا در تلویزیون یا فضای مجازی
- حتی شده چند دقیقه یا چند ثانیه را- مشاهده کرده اید. این سالمندان
بزرگوار می توانند از نزدیکان من و شما باشند، در گذشته نه خیلی دور،
محبت ها بیشتر و گرفتاری ها کمتر و تامین مخارج زندگی آسان تر بود و
چنین مکان هایی یا نبود و یا اگر بود در حد انگشت شمار وجود داشت. ولی
متأسفانه هر چه جلوتر می رویم گویا محبت و مهربانی جایش را با مسائل
مادی عوض کرده و روز به روز بر تعداد این محافل اضافه می شود.
من منکر پذیرایی خوب و رسیدگی بهتر از نظر پزشکی و مسائل بهداشتی
در این مکان ها نیستم، ولی همه ی این ها جای کلمه «جانم» را وقتی

پدر بزرگ یا مادر بزرگ نوه اش را صدا می‌زند و آن کلمه محبت آمیز را می‌شوند، نمی‌تواند بگیرد.

البته این مسائل را اگر نگوییم در همه کشورها، ولی در اغلب کشورها هست ولی به شیوه ی دیگر.

یادم می‌آید سال ۱۳۷۲ برای مسئله خاصی سروکارم به بندر عباس افتاد و سپس یک شب را مهمان کمپ کره ای‌ها شدم که داشتند اسکله جدیدی برای تخلیه و بارگیری موادی مثل سنگ آهن و... می‌ساختند. یکی از مدیران کره ای یک جفت فرش دستباف کاشان ۶ متری متر خریده بود که پس از سوال که هدفش از خرید آنها چه می‌باشد، پاسخ داد: تا زمانی که من زمین گیر شوم از فرش ها بخوبی نگهداری می‌کنم و چون در کشور کره فامیل نزدیک فرصت نگهداری از سالمند عزیزشان (پدر یا مادر) را ندارند این دو فرش را که تا آن موقع بسیار ارزشمند و شاید عتیقه می‌شود به خانواده جوانی تقدیم می‌کنم تا روزهای آخر عمرم را از من پذیرایی کنند.

البته بحث که طولانی شد گفت من بچه های برادرم را نمی‌شناسم و ممکن است توی مترو یا اتوبوس کنارم بنشینند ولی چون آن‌ها ندیده‌ام

مثل یک غریبه، هیچ احساسی نسبت به آن ها ندارم و در ادامه گفت: حتی برادرم را ممکن است بطور اتفاقی - هر چند سال یکبار - که به خانه مادرم می روم او را در آنجا ببینم. ما مثل شما ایرانی ها رفت و آمد نداریم... خدا کند به آن روزها نرسیم که نزدیکانمان را فراموش کنیم و دیگر همدیگر را نشناسیم ، و توضیح پایانی درباره اینکه کتاب را تقدیم این عزیزان می کنم، دلیلش این است که فصل آخر کتاب در دو قسمت از این عزیزان و نحوه زندگی آنها یادی شده است که انشاءالله مورد قبول واقع شود.

علی اصغر حجاتی - ۱۴۰۰